

سوالات تستی عربی یازدهم انسانی فصل هفتم - سری پرش

۱- عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ① الشَّرْشَفُ: قطعة قماش توضع على السَّرِيرِ!
- ② الْخَائِبُ: هو الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِهِ!
- ③ الْمَطَّاطُ: موادٌ كيميائيةٌ و طبيعِيَّةٌ لتقوية التُّراب الضعيف!
- ④ الطَّبَّاشِيرُ: مادَّةٌ بيضاء أو ملوَّنة يكتب بها على السَّبُورَةِ!

۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدَاتِ:

- ① الشَّاطِئُ: الشَّخْصُ الَّذِي يَنْقِذُ النَّاسَ مِنَ الْغَرَقِ فِي الْمَاءِ.
- ② السَّمَادُ: مجموعةٌ مِنَ الْعُنَاصِرِ الْمُفِيدَةِ تُفِيدُ الزَّرْعَةَ.
- ③ الْمِينَاءُ: مَنَاطِقَةٌ بَعِيدَةٌ عَنِ الْبَحْرِ.
- ④ الْبَرِّي: مكانٌ فِيهِ مَاءٌ كَثِيرٌ.

۳- «گمان نمی کردم که تو با وجود مشکلات بسیار، در کسب علم کوشا باشی!» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ① لَا أَظُنُّ أَنَّكَ تَكُونُ مُجْتَهِدًا فِي الْاِكْتِسَابِ الْعِلْمِ رَغْمَ الْمَشْكِالِ الْكَثِيرِ!
- ② مَا كُنَّا نَظُنُّ أَنَّكَ تَكُونُ سَاعِيًا رَغْمَ الْمَشْكِالِ الْكَثِيرِ فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
- ③ مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّكَ رَغْمَ الْمَشْاكَلِ الْكَثِيرَةِ، تَكُونُ سَاعِيًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
- ④ لَا أَظُنُّ أَنَّكَ رَغْمَ الْمَشْاكَلِ الْعَدِيدَةِ أَنْ تَكُونُ نَشِيطًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ الْكَثِيرِ!

۴- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«انزعجتُ من بعض أعماله التي كانت تسببُ إذى النَّاسِ، ولكنَّه لم يهتمَّ بانزعاجي!»

- ① از بعضی از کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
- ② بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!
- ③ از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی داد!
- ④ برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

۵- عَيْنِ الصَّحِيح:

① کان صدیقی اَلْف کتابا توجَدَ فيه قصصٌ مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد که در آن داستان-

های مفیدی می‌یابی!

② للاعبی المباراة وقت محدد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید

کارها را انجام دهند!

③ اللهم اجعلنا ممن يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه

می‌کنند و آنها را می‌پذیری!

④ إن لم يتعاش النّاس بعضهم بعضا فلاسبيل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر هم‌زیستی

مسالمت‌آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

۶- عَيْنِ الصَّحِيح: «ليس هناك عظم في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعةً،

فلنراقب كلامنا»

① در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب

سخنمان باشیم!

② در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از

سخنمان مراقبت کنیم!

③ استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید

مراقب سخن گفتنمان باشیم!

④ در هیچ زبانی استخوانی نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از

سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

۷- عَيْنِ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

① پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولی‌مان دعوت کرده بود!

② بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی‌ام دعوت کرد!

③ مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!

④ مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی‌ما دعوت کرد!

۸- عَيْنِ الْخَطَا:

- ① أليس العلم أحبَّ إليك من الثروة! آیا نزد تو علم محبوب‌تر از ثروت نیست!
- ② الله أعلم بما نعمل في كلِّ زمن! خداوند بر آنچه در هر زمان انجام می‌دهیم، آگاه‌تر است!
- ③ هذان البلدان أكبر بلدین شاهدتهما! این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام!
- ④ إنَّ أحسن التلاميذ من يساعدون الآخرين! همانا بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که دیگران را کمک می‌کنند!

۹- عَيْنِ الصَّحِيح: «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش‌آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»:

- ① وافق أستاذنا أن يؤجَّل موعد الامتحانات أسبوعين اثنين.
- ② توافق أستاذنا أن يتأخَّر الموعد للامتحان اسبوعين اثنين.
- ③ توافق الأستاذ أن يؤخَّر إمتحانات الطلاب لمدة اسبوعين.
- ④ وافق الأستاذ أن يؤجَّل الامتحان للطلاب لمدة اسبوعين.

۱۰- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ① كاد أخى يبكى بكاءً لأنَّ له ألماً شديداً: براردم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!
- ② طوبى لمن لا يحدث عمَّا فيه احتمال الكذب: خوشا به حال آنان که از هر چه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!
- ③ من لا يستخدم الوقت جيِّداً هو أوَّل مَنْ يَشكو من قلَّته: کسی که از وقت به خوبی استفاده نمی‌کند، اولین کسی است که از کمی آن، شکایت می‌کند!
- ④ العلماء من يُنبرون عقول النَّاس بالعلوم النافعة؛ دانشمندان همان کسانی هستند که به وسیله علوم سودمند خود، مردم را دارای عقل نورانی می‌کنند!

۱۱ - «صديقك هو الشخص الذي يعرف نِعَمَاتِ قبلك و يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغْنِيَهَا لَكَ إِنْ كُنْتَ نَسِيتَ كَلِمَاتَهَا!»

① دوستت همان کس است که آوازه‌های قلب تو را می‌داندست و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می‌خواند!

② دوستت کسی است که نغمه‌های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!

③ دوست تو است آن کسی که آوازه‌های قلبت را می‌شناسد و می‌تواند آن را به خاطر تو بخواند آنگاه که کلمات را فراموش کرده‌ای!

④ دوست تو همان کسی است که نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد و می‌تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

۱۲ - عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«أَخَذْتَنِي الدَّهْشَةُ عِنْدَمَا وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ آرَاءَ وَنَظَرِيَّاتِ كَانِ الْمُسْلِمُونَ قَدْ طَرَحُوهَا لِأَوَّلِ مَرَّةٍ»:

① شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتاب‌ها طرح کرده بودند یافتم!

② حیرت مرا فرا گرفت هنگامی که در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!

③ دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار، آنها آن را طرح کرده بودند!

④ دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتاب‌ها یافتم!

۱۳ - عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

«كَانَتْ شَمْسُ الصَّحْرَاءِ مُحَرَّقَةً جَدًّا وَالنَّاسُ يَوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ فِيهَا بِصُعُوبَةٍ!»

① خورشید صحرا جداً می‌سوزاند و باعث می‌شود مردم راهشان را با سختی پیمایند!

② در صحرا خورشید جداً داغ می‌کند و مردم را هشان را با سختی زیاد طی می‌کنند!

③ در صحرا آفتاب واقعاً سوزان بود و مردم راه خود را در آن سخت می‌پیمایند!

④ آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می‌دادند!

۱۴- «بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن‌ها جایگزینی نیست!». عین الصّحیح:

- ① لا بدیل لأخلاقنا و إنسانیتنا لأنّه ثروتنا العظيمة!
- ② أعظم ثروتنا أخلاقنا و إنسانیتنا و لیس لهما بدیل!
- ③ لیس لأخلاقنا و إنسانیتنا بدیلا لأنّهما أعظم ثروتنا!
- ④ أعظم ثروتنا الذی لیس لها بدیل أخلاقنا و إنسانیتنا!

۱۵- عین الصّحیح:

- ① نزل المطرُ على الأراضی الّتی کان لها اغبار و صیرّها خضرة: باران بر زمین‌هایی که غبار آلودگی داشت فرو ریخت و آنها سرسبز شدند!
- ② شقّ المهندسون الجبال و جهّزوا لنا طريقا إلى شمال البلاد: مهندسان کوه‌ها را شکافتند و برای ما راه شمال کشور را باز کردند!
- ③ زانت أمی غرفتى بأنجم ورقیة جميلة لحفلة ميلادی: مادرم به خاطر جشن تولدم، با ستاره-های کاغذی اتاقم را به زیبایی زینت داد!
- ④ نُرید من الله أن يجعل لنا لسانَ الصّدق فی الآخِرین: از خدا می‌خواهیم که برای ما یاد نیکو را در میان آیندگان قرار دهد!

۱۶- عین الأصح و الأدقّ فی الجواب للترجمة:

«كنت حزینة لأنّی ما شاهدت تقدما فی دراستی!»

- ① من ناراحت شدم چون پیشروی در درس‌هایم ندیدم.
- ② ناراحت بودم زیرا پیشرفتی در تحصیل خود مشاهده نکردم.
- ③ از درس خواندنم ناراحت شدم، چون پیشرفتی در آن ملاحظه نمی‌کردم.
- ④ تو ناراحت شدی زیرا در تحصیل من پیشرفتی مشاهده نکرده بودی.

۱۷ - عَيْنِ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

وجدت طريق علاجی فی مقالات المجلات الطبية التي قد كتبت عن عوامل تُسَكِّن آلام المفاصل!»: راه درمانم را در

① مقاله‌های پزشکی پیدا کردم که در مجله‌ها نوشته شده است راجع بع عواملی که دردهای مفصل را کم می‌کند!

② مقالات مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند نوشته شده است!

③ مقالات پزشکی مجله‌ها پیدا کردم آنجا که درباره عوامل آرام کننده دردهای مفاصل نوشته شده بود!

④ مقاله‌هایی که درباره عوامل کاهش دهنده دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود، پیدا کردم!

۱۸ - عَيْنِ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

«قَرَأْتُ كِتَابًا مَوْلُفُهُ لَمْ يَكُن قَادِرًا عَلَى تَحْرِيكِ يَدِهِ وَلَكِنَّهُ يَرْسُمُ وَ يَنْشُدُ وَ يُؤَلِّفُ!»: کتابی خواندم که

① مؤلفش قادر نبود دستش را حرکت دهد، ولی نقاشی هم می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!

② نویسنده آن قادر به حرکت دادن دستش نبود، ولیکن نقاشی می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!

③ نویسنده‌اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد، ولی نقاشی می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

④ مؤلف آن نمی‌توانست دست خویش را حرکت دهد، ولیکن نقاشی هم می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

۱۹ - عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«كَانَتْ أَشْعَةُ الْقَمَرِ الْفَضِيَّةِ الْمَتَكُونَةُ مِنْ سَبْعَةِ أَلْوَانٍ تَخْلِبُ قُلُوبَنَا، عِنْدَمَا كُنَّا نَمْشِي بِهَدْوٍ عَلَى تَلَالِ الرَّمْلِ!»:

① اشعه ماه نقره‌ای رنگ تشکیل شده از هفت رنگ، دل‌های ما را شیفته کرده بود، آن زمان که آرام بر تپه‌هایی از شن راه می‌رفتیم!

② اشعه نقره‌ای رنگ ماه با رنگ‌های هفت‌گانه‌اش، دل‌ها را شیفته می‌کرد، آنگاه که ما به آرامی بر تپه‌هایی شنی راه می‌رفتیم!

③ وقتی با آرامش بر تپه‌های شن راه می‌رفتیم، نور نقره‌ای فام ماه که از هفت رنگ تشکیل شده بود، دل‌های ما را می‌ربود!

④ هنگامی که آرام بر تپه‌های شنی قدم می‌زدیم، نور ماه نقره‌ای رنگ که هفت رنگ داشت، دل‌ها را می‌ربود!

۲۰ - عَيْنِ الْخَطَا:

① إِكْرَهَ الْجُرْمَ وَ لَا تَكْرَهَ الْمُجْرِمَ: جرم را زشت بدار و مجرم را ناپسند مشمار.

② لَا بَأْسَ فِي أَنْ تَدْرُسَ الْقَوْلَ وَلَكِنْ احْتَرِمِ الْقَائِلَ: هیچ اشکالی نیست در اینکه گفتار را بررسی کنی ولی گوینده را احترام کن.

③ عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَ الْعَاصِيَ وَلَكِنْ تُسْخِطُكَ الْمَعْصِيَةُ: تو باید بر عصیانگر رحم کنی ولی از معصیت خشمگین می‌شوی.

④ فَإِنَّ مَهْمَّتَكَ أَنْ تَتَغَلَّبَ عَلَى الْمَرَضِ لِأَعْلَى الْمَرِيضِ! زيرا مأموریت تو این است که بر بیماری غلبه کنی نه بر بیمار!

۲۱ - عَيْنِ الصَّحِيحِ:

① تُرْفَعُ رَايَةُ الشَّيْطَانِ فِي الْفِتَنِ! پرچم شیطان را در همه فتنه‌ها بالا می‌بری!

② لَوْ كُنْتَ مَنْجَمًا لَرَأَيْتَ كَيْفَ اتَّقَلَّبَتِ النُّجُومُ! اگر ستاره‌شناس می‌بودم، نحوه‌ی تغییر ستارگان را می‌دیدم!

③ مَنْ يَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يُصْبِحُ نَاجِحًا! آنکه خود را با کارهای متوالی به سختی انداخت موفق می‌شود.

④ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَبْدُلُ ظُلْمَاءَ الْجَهْلِ بِنُورِ الْعِلْمِ! عده‌ای از دانشمندان تاریکی جهل را به نور علم تبدیل می‌کنند.

۲۲- عین الصحيح:

- ① قد عَرَفْتُمَا التَّجْرِبَةَ طُرُقًا مُخْتَلِفَةً لِاسْتِخْرَاجِ النِّفْطِ: مَا بَا تَجْرِبُهُ رَاهِیَّاهُ مُخْتَلِفٌ اسْتِخْرَاجُ نَفْتٍ رَا یَادَ گَرَفْتِهِ اِیْم!
- ② مَنْ هُوَ الَّذِی یَحَاوِلُ دَائِمًا اِنْكَارَ كُلِّ مَا یَعْرِفُهُ، اِلَّا الْكَذَّابُ: کِیْسْتِ اَنَکِه هَمِیْشِه تَلَاَش مِی کَنْد هَمِه اَنَچِه رَا مِی دَانْد اِنْکَار کَنْد، بِه جَز دَرْوِغُو!
- ③ کُبْرَ دَنْبًا اَنْ تَکُوْنَ حَسُوْدًا، لِاَنَّهُ لَا یَنْزَعُجُ مِنَ الْحَسَدِ اِلَّا الْحَسُوْدُ: گَنَاه بَزَرْگِی اِسْت کِه حَسُوْد بَاشِی، زِیْرَا حَسَد بِه جَز حَسُوْد رَا اَزْرَدِه نَمِی کَنْد!
- ④ اِنَّ النَّجَاحَ اُجْرَ مَنْ لَا یَقْنَطُ مِنَ الْمَصَائِبِ الَّتِیْ اَصِیْبَ بِهَا: مَوْفَقِیْتُ پَادَاش کِسی اِسْت کِه مَصِیْبَتِ هَاِیِ کِه بِه اَن هَا دَچَار شَدِه اِسْت نَاامِیْدَش نَمِی کَنْد!

۲۳- عین الصحيح:

- ① مَضَى الزَّمانُ وَ قَلْبِی یَقُوْلُ اِنَّکَ اَتَیْتَ! زَمَانِ سَپَرِی شَد وَ قَلْبِمِ مِی گَوِیْد کِه تُو قَطْعًا نَمِی آِی!
- ② لَمْ یَتِمَّكَنَّ الرَّجُلُ الْعَاصِی مِنْ اِصْلَاحِ اَعْمَالِهِ السَّیِّئَةِ! مَرْدِ گَنْهَکَار اَز [عَهْدَة] اِصْلَاحِ کَارِهَاِی بَدَش بَرَنِیَاْمَد!
- ③ اِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ اَقْدَامَکُمْ! اِگَر خُدا رَا یَاْرِی کَنْیِد شَمَا رَا یَاْرِی مِی کَنْد وَ قَدَم- هَاِیْتَانِ اسْتَوَار مِی شُوْد!
- ④ اِعْلَمُوا اَنْ اَثْقَلَ مَا یُوضَعُ فِی الْمِیزَانِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ: بَدَانِیْد سَنْگِیْن تَرِیْن چِیْزِی کِه دَر تَرَاِزُو قَرَار مِی دَهْنْد اِخْلَاقِ نِیْکُوْسْت!

۲۴- عین الصحيح:

- ① نَقَّارُ الْخَشَبِ طَائِرٌ یَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ! دَارْکُوبِ پَرْنَدِه اِی اِسْت کِه رِیْشِه دَرْخْت رَا بِیْرُوْنَ مِی اَوْرْد!
- ② یَسْتَرِیجُ التَّسْمَاحُ عَلَی السَّاطِئِ وَ یَنْظِفُ اَسْنَانَهُ بِوَاسِطَةِ الرِّقْزَاقِ! تَمْسَاحِ دَر کَنَارِ دَشْتِ اسْتِرَاحَتِ مِی کَنْد وَ دَنْدَانِ هَاِیْشِ بِه وَاسِطِه مَرْغِ بَارَانِ تَمِیْز مِی شُوْد!
- ③ تَصْعُقُ حَیَّةُ الصَّحْرَاءِ ذَنْبَهَا فِی الرَّمْلِ ثُمَّ تَقِفُ کَالْعَصَا! مَارِ صَحْرَا سَرَش رَا دَر خَاکْسْتَرِ قَرَار مِی دَهْد، سَپَسِ مَانَنْد عَصَا مِی اِیْسْتَد!
- ④ مَا قَبْلَ الْحَکَمِ الْهَدَفُ فِی لَعِبِ کُرَةِ الْقَدَمِ بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ! دَاوَرِ گَلِ رَا دَر بَاِزِی فُوتْبَالِ بِه دَلِیْلِ اَفْسَاِیْدِ نَپْذِیْرَفْت!

۲۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ:

- ① أَخَذَ الشَّبَابُ يَسْبَحُونَ فِي أُمُوجِ الْبَحَارِ! جوانان رفتند تا در امواج دریاها شنا کنند!
- ② إِنَّا نَعِينُ الضَّعْفَاءَ عِنْدَ الْجُهَالِ! قطعاً ما به ناتوانان در نزد انسان بسیار نادان، یاری می‌رسانیم!
- ③ كَانَ قَدْ أُصِيبَ بِالشَّلَلِ الدِّمَاغِيِّ عِنْدَ وَلادَتِهِ الصَّعْبَةِ! به هنگام تولد دشوارش دچار فلج مغزی شده بود!
- ④ اِمْتَنَعَ رَجُلٌ كَثِيرُ الْمَعَاصِي عَنْ ذَنْبٍ لِيَتَظَاهَرَ بِالتَّوْبَةِ: مرد گناهکار از گناه کردن خودداری کرد تا به توبه کردن وانمود کند!

۲۶- عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- «أَنْطِلَاقُ الطَّائِرِ الطَّنَانِ وَتَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يَثِيرَانِ التَّعَجُّبَ. هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ!»
- ① آزادی مرغ مگس و توقف سریعش موجب شگفتی شده است. آن پرنده کوچکی است که به راست و چپ پرواز می‌کند.
- ② به حرکت درآمدن مرغ مگس او را سریعاً باز می‌دارد که تعجب را برمی‌انگیزد. آن کوچک‌ترین پرنده‌ای است که به راست و چپ پرواز می‌کند.
- ③ به حرکت درآمدن مرغ مگس و ایستادن سریعش تعجب را برمی‌انگیزد. آن کوچک‌ترین پرنده‌ای است که به راست و چپ پرواز می‌کند.
- ④ رهایی مرغ مگس و توقف سریعش تعجب را برمی‌انگیزد. آن کوچک‌ترین پرنده‌ای است که به جنوب و شمال پرواز می‌کند.

۲۷- عَيْنِ الْخَطَا:

- ① إِذَا وَدَعْتَ شَاتَمَكَ مَهَانًا تُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ! هرگاه که دشنام دهنده‌ات را خوار رها کنی شیطان را خشمگین می‌نمایی!
- ② إِنِّي أَخَافُكَ وَأَرْجُو وَصَالَكَ وَأُحِبُّ أَنْ أَدْنُو مِنْكَ! من از تو می‌ترسم و امید به وصال تو را دارم و دوست دارم که به تو نزدیک شوم!
- ③ كَادَ الشَّبَابُ الْكَذَّابُ يَغْرَقُ بِسَبَبِ قَوْلِهِ الْكَذْبَ! جوان بسیار دروغگو به خاطر گفتار دروغش نزدیک بود غرق شود!
- ④ إِحْتَرَمَ الْكِبَارُ وَإِخْدَمَهُمْ لِأَنَّهُ لَمْ أَشْهَدْ أَسْخَى مِنْهُمْ! به بزرگترها احترام بگذار و به آنها خدمت کن زیرا با سخاوت‌تر از آنها نمی‌بینم!

۲۸- عَيْنَ الصُّحُوحِ: «بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ لِيَهْدُوا النَّاسَ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ فَلْيَسْتَمِعْ النَّاسُ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ!»

۱) همه پیامبران برای هدایت مردم به راه راست مبعوث شدند پس مردم به کلام حق گوش می دهند!

۲) پیامبران همگی مبعوث شدند تا مردم نیز به راه راست هدایت شوند پس مردم باید به کلام حق گوش دهند!

۳) همه پیامبران مبعوث شدند تا مردم را به راه درست هدایت کنند پس مردم نیز به سخن حق آنها گوش می دهند!

۴) پیامبران همگی مبعوث شدند تا مردم را به راه راست هدایت کنند پس مردم باید به سخن حق گوش فرا دهند!

۲۹- عَيْنَ الصُّحُوحِ: «إِيَّاكُمْ وَمَصَادَقَةَ الْجُهَالِ فَإِنَّهُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يَنْفَعُوكُمْ وَلَكِنَّهُمْ يَضُرُّوكُمْ!»:

۱) شما را از دوستی کردن با احمق ها برحذر می دارم زیرا آنان گویی قصد دارند به شما سود برسانند ولی زیان می رسانند!

۲) از دوستی کردن با نادانان پرهیزید زیرا آنان می خواهند که به شما سود برسانند ولی آنان به شما زیان می رسانند!

۳) شما را از دوست شدن با نادانان برحذر می دارم زیرا آنان خواهان رساندن سود به شما هستند ولی آنان زیان رساننده می شوند!

۴) از دوستی کردن با احمق پرهیزید زیرا آنان گویی می خواهند به شما سود برسانند ولی آنان به شما زیان خواهند رساند!

۳۰- عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

«زَمِينَ بِهَ جَازِبَةٍ خُودِ مَبَاهَاتٍ مِی کَرْدِ دَر حَالِی کِه پَرَنَدگَانِ مِی خَنَدیدَنَد!»

۱) کانت الأرض تفخر بجاذبيّتها و الطيور تضحك!

۲) إِنَّ الْأَرْضَ تَفْتَخِرُ بِالْجَازِبِيَّةِ لَهَا وَ الطَّيُورُ ضَاحِكَةٌ!

۳) إِنَّ الْأَرْضَ أَصْبَحَتْ تَفَاخُرُ بِجَذْبِهَا وَ كَانَتِ الطَّيُورُ تَضْحَكُ!

۴) كَانَتِ الْأَرْضُ تَفَاخُرُ بِقُدْرَةِ جَذْبِهَا وَ أَصْبَحَتِ الطَّيُورُ ضَاحِكَةً!

۳۱- عین الصّحیح:

① ما أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ: چیزی را که کسی پنهان کرد، پنهان نماند جز

اینکه در لغزش‌های زبانش ظاهر شد!

② أَسَرَ الْمُسْلِمُونَ ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِي الَّذِي يَضْرِبُ بِهِ الْمَثْلُ فِي الْكُرْمِ: مسلمانان دختر حاتم

طائی که در بخشندگی ضرب المثل بود را اسیر کردند!

③ يُسْتَخْرَجُ الْمَطَاطُ الطَّبِيعِيُّ مِنْ شَجَرَةٍ ثُمَّ يُتَحَوَّلُ بِسَائِلٍ: کائوچوی طبیعی از درختی گرفته

می‌شود سپس به مایعی تبدیل می‌شود!

④ عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ: عالمی که از علمش نفع ببرد از هزار عابد بهتر است!

اقرأ النصّ التّالي بدقّة، هم أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

«إِنَّ الْقُرْآنَ يَعَلِّمُنَا أَنَّنا يجب أن نكون فيما بيننا أصدقاء و لكن في مواجهة الأعداء كالأسد! و النّاس

لايتقربون من الشّوك (خار) لخوفهم على أنفسهم من أذّة (أذية)، و لكن بالنسبة إلى الوردة الجميلة

ماذا يفعلون؟! الدّول الاستعماريّة في تاريخها لم تعترف بحق الشّعوب إلّا بعد الثّورات! فالشّعار

الصّالح لهذه الحیاة في مواجهة الأجنب هو هذا: كن قویاً فقد علّمتنا الحیاة أنّه من لم يكن ذئبا

أكلته الذئاب!»

۳۲- متى يتراجع المستعمرون عن ظلمهم؟

① إذا رأوا مظلوماً يبحث عن حقّه!

② إذا طُلب منهم ذلك بلطف و احترام!

③ إذا حدثت ثورة لم تقدر أن نتجّع!

④ إذا واجهوا قویاً لم يقدرُوا الغلبة عليه!

۳۳- عین الصّحیح:

① كن مع الأعداء كالوردة ليس لها شوك!

② كن كالأسد مع الأصدقاء و كالغنم مع الأعداء!

③ كن كوردة لها شوك تُواظب عن نفسها!

④ كن في الحیاة كالشّوك لیبّتعد عنك القريب البعيد!

۳۴- عین العبارة التي تناسب مفهوم النص:

① راجعوا إلى الشدة فهي مفيدة لكم!

② كن رحيماً في كل حال، إنما الانسان بقلبه الرحيم!

③ لا خير في شدة تضرک!

④ و الذين معه (مع محمد ص) أشدّاء على الكفار رحماء بينهم!

۳۵- عین المقصود من العبارة التالية: «من لم يكن ذنباً أكلته الذئاب!»

① في مواجهة أصدقاؤك لاتكن ضعيفاً فهم يأكلونك!

② الدنيا كالغابة، فالقوى يأكل الضعيف!

③ إذا لم تكن الأم مقتدرة فالأولاد لا يسمعون كلامها!

④ إذا لم يكن الإنسان قوياً فالآخرون يجتنبونه!

۳۶- عین الصحيح في التشكيل:

«الناس لا يقتربون من الشوك لخوفهم على أنفسهم من أذاه»

① النَّاسُ - يُقْتَرِبُونَ - لَخَوْفِهِمْ - مِنْ

② مَنْ - لَخَوْفُهُمْ - أَنْفُسٍ - أَذَاهُ

③ مَنْ - لَخَوْفُهُمْ - أَنْفُسٍ - أَذَاهُ

۳۷- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«نكون»

① مضارع - للغائبات - مجرد ثلاثي / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه

«أصدقاء»

② فعل - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف - معرب / من الأفعال المشبهة بالفعل و اسمه

«أصدقاء»

③ فعل مضارع - معتل و أجوف - مبني / فعل من النواسخ و فاعله ضمير «نحن» المستتر

④ للمتکلم مع الغير - مجرد ثلاثي / فعل من الأفعال الناقصة، و اسمه ضمير «نحن» المستتر

۳۸- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«يقتربون»

- ① فعل مضارع - للغائبات - مزيد ثلاثي - مبني للمعلوم / فعل و فاعله ضمير «ن» للبارز
- ② للغائبين - معتل و أجوف - لازم / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب، و فاعله ضمير الواو
- ③ فعل مزيد ثلاثي من باب إفعال - متعدّد - معرب / فعل و فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية
- ④ مضارع - مزيد ثلاثي من باب افتعال - معرب / فعل و فاعل ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

۳۹- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«الجميلة»

- ① اسم - مفرد مؤنث - جامد - معرب / نعت و مجرور بالتبعية للمنعوت «الوردة»
- ② مشتق و صفة مشبهة - معرّف بآل - معرب - منصرف / نعت و مجرور بالتبعية
- ③ معرّف بآل - معرب - منصرف / مضاف إليه و مجرور بالتبعية للمضاف «الوردة»
- ④ مفرد مؤنث - مشتق و اسم تفضيل من مصدر «جمال» - معرّف بآل / صفة و مجرور

اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

أحد الأشياء التي تشير إلى وجود العلاقات بين الإيرانيين و العرب هو الأساطير. فقصص الضحاک و كيكاووس و سودابة و ... تشير إلى هذه العلاقة. حياة بهرام جور و أشعاره العربية من مظاهر هذه الصلة! في زمن نزول القرآن الكريم بعض المعاندين حين رأوا أنّ القرآن الكريم يتكلم عن الامم الماضية كانوا يقولون: إن كان محمد هكذا يتكلم فنحن نحدثكم بحديث رستم و إسفنديار و الأكاسرة!

و من مظاهر هذه الصلة وجود المفردات الفارسية الكثيرة في العربية التي تسربت عن طريق التجارة و الزيارة و ترجمة الكتب، و كذلك سيطرة الامبراطورية العثمانية على البلدان العربية. إنّ لغة كبار العثمانيين كانت فارسية! و بعد ظهور الإسلام اشتدت هذه العلاقة حيث أصبحوا بنعمة الله إخوانا.

إنّ اللغة الفارسية لم تكن تشعر عبر الزمان أنّ اللغة العربية تزاحمها حتى تقصد عداوتها و الجهد لإطفائها، بل ظلّت العربية في الجانب الفارسي أساساً متيناً للثقافة الإيرانية الإسلامية!

۴۰- ما هي العلام التي تثبت وجود المشتركات بين البلدين؟

- ① التجارة و الزيارة و الحكومة الواحدة على البلدين!
- ② المفردات اللغوية المستعملة بين مستخدمى اللغة!
- ③ القصص و الروايات و الأبطال و الأفكار المشتركة!
- ④ وجود الأساطير و الظواهر الاخرى المختصة بكلّ بلد!

۴۱- لماذا ازدادت علاقات المحبة بين الإيرانيين و العرب بعد الإسلام؟

- ① لأن الإسلام جعل الشّعبيين أخوين و لم يفرّق بينهما!
- ② كثرة التجارة و ازدياد الزيارات و ترجمة الكتب قد زادت المحبة!
- ③ لأن الإيرانيين لم يقصدوا محو ثقافة جارهم بل حاولوا لإحيائها و نموّها!
- ④ بسبب كثرة الروايات و القصص و الأساطير المشتركة التي كانت تنقل عن لسان المتكلمين بهاتين اللغتين!

۴۲- متى تنشأ العداوة بين الثقافتين: إذا

- ① لم تكن هناك روايات و أساطير مشتركة بين الثقافتين!
- ② شعرت إحداهما أن الاخرى تريد أن تحتل مكانها و تزيلها!
- ③ لم تقدر إحدى الثقافتين توسيع دائرة الاخوة و الصداقة بينهما!
- ④ كان التأثير من جانب واحد و لم تقدر إحداهما أن تؤثر على الاخرى!

۴۳- على أساس النص:

- ① كان العثمانيون من أسباب توسيع اللغة الفارسية!
- ② كان الناس يتكلمون باللغة الفارسية في زمن إدارة العثمانيين!
- ③ المفردات الفارسية هي التي تسربت في ثقافة العرب، فلم تكن العلاقة متبادلة!
- ④ كلام القرآن الكريم عن الأمم الماضية كان مثل كلام العرب عن حديث رستم و إسفنديار!

اقرأ النصّ التالى بدقّة، ثمّ أجِبْ عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

لا أحد يَعْرِفُ متى أُسْتُخْدِمَ العَلَمُ (الرايةُ) لأوّل مرّةٍ فى التاريخ! فقد كان الجنود يحضرون المَعَارِكَ و كانوا يَجِدُون صعوبةً فى معرفة أماكن وجود قائدهم! فوجدوا حلاً مناسباً؛ حَمَلُ كُلِّ قائِدٍ منهم خَشْبَةً طَوِيلَةً و وضع عليها علامة من جلد الحيوانات أو أوراق الأشجار و أمثال ذلك، فإذا كانت هذه الخَشْبَةُ تَخْتَفِى عن أعين الجنود يَعْرِفُونَ أَنَّ قائدهم قَتَلَ أو أُسِرَ أو هَرَبَ! أما أعلام الدُّول فلم تَكُنْ معروفةً حَتَّى قبل قرنين؛ و بَعْدَ ذلك صارَ لكلِّ دَوْلَةٍ عِلْمٌ تَفْتَخِرُ به و تَحْرُصُ على رَفْعِهِ فى كُلِّ مناسبة مفرحة. و هو مؤلّفٌ من عدّة ألوان و أشكالٍ و كلماتٍ تشير إلى دين أو ثقافة الدَّولة أو تاريخها.

٤٤- كان العلم يُستفاد منه لـ

- (١) الاطلاع على مكان القائد. (٢) الحصول على مكان الجيش.
(٣) يفتخروا به فى ساحات الحرب. (٤) يعلموا متى يقتل أو يهرب الجنود.

٤٥- عيّن الصّحيح:

- (١) كانت البلدان تُستخدم أعلامها قبل أربعة قرون.
(٢) انتخاب ألوان أعلام الدول يرتبط بجمالها و حسنّها فقط.
(٣) كانت الحروب تقع قبل الاستفادة من العلم أيضاً.
(٤) كان العلم يتميّز فى ساحات الحرب بخشبة فقط.

٤٦- كيف يَخْتَفِى العلم عن أعين الجنود؟ - حينَ

- (١) يرفع (٢) يُحْمَلُ
(٣) يصنع (٤) يَسْقُطُ

٤٧- عيّن الخطأ:

- (١) كلمة «الله اكبر» شعار للعلم الايرانى.
(٢) أعلام الدول كانت معروفة قبل ٣٠٠ سنة.
(٣) علم الجمهورية الاسلامية مؤلّف من ثلاثة ألوان.
(٤) أخذت الدول تستخدم العلم منذ ٢٠٠ سنة.

۴۸- عین الصحيح فى التشكيل: «كانوا يجدون صعوبة فى معرفة أماكن وجود قائدهم»

① صُعُوبَةٌ - مَعْرِفَةٌ - أَمَاكِنٌ - وَجُودٌ ② يَجِدُونَ - مَعْرِفَةٌ - أَمَاكِنٌ - وَجُودٌ

③ مَعْرِفَةٌ - أَمَاكِنٌ - وَجُودٌ - قَائِدٌ ④ كَانُوا - يَجِدُونَ - صُعُوبَةٌ - أَمَاكِنٌ

۴۹- عین الصحيح فى التشكيل: «تشير ألوان الاعلام إلى دين أو ثقافة الدول أو تاريخها»

① دِينٌ - ثَقَافَةٌ - الدُّوَلُ - تَارِيخُهَا ② تُشِيرُ - ألَوَانٌ - الأَعْلَامُ - ثَقَافَةٌ

③ تُشِيرُ - ألَوَانٌ - دِينٌ - ثَقَافَةٌ ④ الأَعْلَامُ - دِينٌ - الدُّوَلُ - تَارِيخُ

۵۰- عین الصحيح فى الاعراب و التحليل الصرفى: «استخدم»

① للغائب - مزيد ثلاثى من باب استفعال - صحيح و سالم - مبنى للمعلوم / فعل و فاعله

«العلم»

② مزيد ثلاثى بزيادة ثلاثة أحرف - متعدّد - معرب / فعل و نائب فاعله ضمير «هو» و الجملة

فعلية

③ فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثى - مبنى للمجهول - مبنى على الفتح / فعل و نائب فاعله

«العلم»

④ صحيح و سالم - متعدّد - مبنى للمجهول - معرب / فعل منصوب و نائب فاعلٍ، و الجملة

فعلية

۵۱- عین الصحيح فى الاعراب و التحليل الصرفى: «يجدون»

① معتل و أجوف - لازم - مبنى للمجهول - معرب / فعل و نائب فاعله ضمير الواو

② فعل مضارع - للغائبين - معتل و أجوف - لازم / فعل و فاعله ضمير الواو البارز

③ للغائبين - مجرد ثلاثى - معتل - معرب / فعل منصوب، و فاعله ضمير الواو، و الجملة

الفعلية

④ مجرد ثلاثى - مثال - مبنى للمعلوم / فعل و مرفوع بثبوت نون الاعراب، و فاعله ضمير

الولو

۵۲- عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي: «طويلة»

① اسم - مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة - نكرة / مضاف اليه و مجرور

② مفرد مؤنث - نكرة - معرب - منصرف / نعت و منصوب بالتبعية للمنعوت

③ مشتق و صفة مشبهة من مصدر «طول» - نكرة - معرب / حال مفردة و منصوب

④ نكرة - معرب - ممنوع من الصرف / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «خشبة»

الجهل الذي هو عدو الأمم و مُهلك النَّاس و مفسدهم، له عدو واحد فقط و هو المعلم! فلهذا للمعلم مكانة رفيعة عند أصحاب البصيرة. كثيراً ما نُشاهد أنَّ بعض النَّاس يأملون أن يحصلوا على مناصب عليا فيرون في آمالهم أن يصبح كل منهم رئيساً أو وكيلاً و وزيراً، ولكن هذه المهن في الحقيقة لاتعادل مرتبة المعلم!

نعم؛ إنَّ النَّاس يعملون كلهم ولكن لاتجد عاملاً كالمعلم؛ إنَّه ينير العقول، فأما غيره فيتير الشوارع، هو يهذب النفوس و غيره يهذب الأشجار ... فلهذا لا يتحسر على حياة الآخرين لأنَّه هو الذي رباهم و صنعهم.

بناءً على هذا ترى أنَّ الأمم المتقدِّمة تعظم هذه الجماعة لأنَّها تعلم أن أثرهم يتعكس على حياة المجتمع و نموّه و حرفيه!

۵۳- عين الموضوع الذي لم يذكر في النص:

① آمال بعض الناس في الحياة!

② صفات الجهال و العلماء!

③ سبب تقدّم بعض المجتمعات!

④ ذكر عمل المعلمين و الآخرين!

۵۴- عين الخطأ: على أساس النص، الواجب الأساسي للمعلم هو

① العداوة ضد أعداء النَّاس و الحصول على المناصب العالية!

② تصحيح حركة الأمة و إدخال النشاط و الحياة فيها!

③ تربية العلماء و الأمراء و المهندسين!

④ رفض الجهل و السعي لدفعه!

۵۵- علی أساس ما جاء في النص يمكن أن نقول: إنَّ المعلمَ لا

- ۱) يَهْتَمُّ بما يبقى، بل يَهْتَمُّ بما يقوت!
- ۲) يأخذ منَّا شيئاً فيه ضررٌ، بل يعطينا ذلك!
- ۳) يكشف للناس باطن الأمور، بل يمنعهم عن ذلك!
- ۴) يُغلق عيوننا لنستريح و تلتذُّ، بل يفتحها حتَّى ننظر ببصيرة!

۵۶- عين الصحيح:

- ۱) من آمال الإنسان في الحياة، أن يُصبح مُعلِّماً في يوم من الأيام!
- ۲) سعادة الأمم و تقدُّمها ثمود إلى وقوع المواجهة بين الجهل و العلم!
- ۳) إذا فات الجهل من بين الناس - على سبيل المثال - فلاحاجة لوجود المعلم!
- ۴) كان المعلم وقف حياته للتغلب على المفسدين و مهلكي الشعوب في العالم!

۵۷- «نُشاهد»:

- ۱) مضارع - للمتكلم مع الغير - حروفه الأصلية «شهد» و الماضي للغائب على وزن «فاعل»
- ۲) فعل مضارع - للمتكلم وحده - حروفه الأصلية «شهد» و الماضي للغائب على وزن «فاعل»
- ۳) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - له حرف واحد زائد، مصدره على وزن «مفاعلة» - معلوم
- ۴) مضارع - ماضيه للغائب «شاهد» على وزن «فاعل» - معلوم - فعل و مغل فاعله جملة فعلة

۵۸- «يأملون»:

- ۱) مضارع - للغائب الجمع - ماضيه المفرد: «أمل» على وزن «فعل»
- ۲) فعل مضارع - للجمع - حروفه الأصلية «أمل» و ليس له حرف زائد
- ۳) مضارع - للجمع المخاطب - حروفه أصلية كلها - مع فاعله جملة فعلية
- ۴) فعل مضارع - للجمع المذكر الغائب - فعل معلوم و مع فاعله جملة فعلية

۵۹- «عاملاً»:

- ۱) مفرد مذكر - اسم فاعل (من فعل «عمل») - نكرة - مفعول لفعل «نجد»
- ۲) اسم - مذكر - اسم فاعل (من مادة «ع م ل» و حروفه أصلية كلها) - نكرة
- ۳) مفرد - اسم فاعل (من فعل «عمل» على وزن «فعل») - مفعول لفعل «نجد»
- ۴) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (من فعل «عامل» على وزن «فاعل») - نكرة

۶۰- عین الفعل يدلّ على البعيد في الفارسيّة:

① لم يقدروا أن يساعدونا في تعلّم الدروس المدرسيّة!

② كانت قرب بيتنا حديقة كبيرة جميلة و نحن ننتفع بها!

③ كان التلاميذ قد اقترحوا على المدير أن يشتركوا كلّهم في السّباق!

④ كانت هذه الطالبة تُنعب نفسها في أداء واجباتها في البيت ليلاً و نهاراً!

۶۱- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي: «أذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم»

① الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة (علم) - معرب / مضاف إليه و مجرور

② أذكروا: فعل أمر - مجرّد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعل، و الجملة فعلية؛ و مفعوله «نعمة»

③ ألف: فعل ماض - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم - معلوم / فعل و فاعل، و الجملة فعلية

④ أعداء: جمع مكسّر أو تكسير (مفردة: عدوّ، مذكر) - نكرة / خبر «كان» من الأفعال الناقصة و منصوب

۶۲- عین الصّحيح في التّحليل الصرفيّ و الإعراب:

«كان في المسجد جماعتان، جماعة يتفقّهون و جماعة يدعون الله و يسألونه!»

① يتفقّهون: مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

② يسألون: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

③ جماعتان: اسم - مثنى مؤنث - نكرة - معرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة، و مرفوع بالألف

④ المسجد: اسم - مفرد مذكر - اسم مكان (من فعل مزيد ثلاثي و مصدره «سجود») - معرف بآل / مجرور بحرف «في»

۶۳- عین الصّحیح فی الإعراب و التّحلیل الصّرفی:

«قد أنشد شاعران کبیران قصیدتین عند مشاهدتهما ایوان کسری!»

① مشاهدة: مفرد مؤنث - مصدر (من باب مفاعلة) - معرب / مجرور بحرف الجر، عند

مشاهدة: جار و مجرور

② کسری: اسم - مفرد مذکر - معرفة (علم) - معرب / مضاف إليه و مجرور، و المضاف کلمة

«ایوان»

③ شاعران: اسم - مثنی مذکر - اسم فاعل (اشتقاقه من مادّة «شعر») - معرفة / فاعل و

مرفوع بالالف

④ أنشد: فعل ماضٍ - للغائب - مزید ثلاثی (من باب افتعال) / فعل و فاعله «شاعران» و

الجملة فعلية

۶۴- عین ما لیس من الأفعال الناقصة:

① «يقولون بألسنتهم ما ليس فی قلوبهم»

② «أنزل من السّماء ماء فتصبح الأرض مخضرة!»

③ ولئک الطلاب كانوا يطالعون الصّحيفة کلّ يوم!

④ أصیبت بحمى صیرتها طفلة عمياء صماء بكماء!

۶۵- عین الصّحیح فی ضبط حركات الكلمات:

① حَسَنَ الأدبِ یَسْتَرْ قُبَحَ النَّسَبِ!

② یَزْرَعُ الفلاحُ المجدُّ أشجارَ التفاح!

③ مُدیرُ المدرّسةِ واقفٌ أمامَ الاصطفافِ الصّباحی!

④ لا یصدّقُ العاقلُ قولَ الذی یُکذِبُ کثیراً!